

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۱۴ * (۳ محرم ۱۳۵۴)

فهرست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس)
 ۲ (شور دوم و تصویب مواد قانون مدنی از ماده ۱۰۶۲)
 ۳ (معرفی آقای میر عباسخان آریا بسمت معاونت وزارت طرق)
 ۴ (بقیه شور و تصویب مواد قانون مدنی از ماده ۱۱۰۲)
 ۵ (موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

(مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز شنبه ۱۶ فروردین ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد

[۲ - شور دوم و تصویب قانون مدنی از ماده ۱۰۶۲]

رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به قسمتی از قانون مدنی شور دوم :

خبر کمیسیون

لایحه نمره ۲۷۶۰۴ دولت که در تعقیب مواد قانون مدنی (بعنوان فصل چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم

از کتاب هفتم جلد دوم قانون مدنی در نکاح و طلاق) پیشنهاد شده بود برای شور دوم در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح پس از مذاکرات لازمه و توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه بیان نمودند رایرت شور اول با اصلاحاتی تصویب و اینک خبر آنرا برای تصویب مجلس مقدس شورای ملی تقدیم میدارد

فصل چهارم - شرایط صحت نکاح

ماده ۱۰۶۲ - نکاح واقع میشود به ایجاب و قبول بالفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید

* عین مذاکرات مشروح بکصدوسی و چهارمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : نمازی - فرشی - شیرازی - اسدی - کازرونیان - عراقی - اعظم زنگنه - حمزه تاش- وکیل - مسعود ثابتی - یونس آقا وهازاده - شریعت زاده - کورس - معدل - یور سرتیب
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : ملک مدنی - مرتضی قلیخان بیات - اسفندیاری - دکتر ادهم - امیر تیمور نیک پور - قراگزلو .

رئیس - آقایانی که با ماده ۱۰۶۲ موافقت دارند بر خیزند
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۶۳ :

ماده ۱۰۶۳ - ایجاب و قبول ممکن است از طرف خود
مرد وزن صادر شود و یا از طرف اشخاصی که قانوناً حق
عقد دارند.

رئیس - آقای روحی

روحی - راجع باین که ممکن است اشخاصی از طرف
مرد وزن اجرای عقد نمایند البته صحیح است و بنده هم
در این قسمت عرضی ندارم ولی باید شهودی هم حاضر
باشند که شهادت بدهند که این عقد واقع شده است والا
ممکن است يك اختلافی بعد واقع شود و بدون حضور
شاهد تصور نمیکنم که خوب باشد و خوب بود در این جا
قید حضور شاهد هم بشود و با این ترتیب نمیشود يك عقدی
صورت قطعیت پیدا کند.

وزیر عدلیه (آقای صدر) - حضور شاهد در عقد
شرط نیست در طلاق است که شرط صحت طلاق حضور
شاهد است و فقط برای تثبیت که خلافی روی ندهد همان
دفاتر رسمی که داریم کافی است و دیگر احتیاجی بشهود
نیست و همان حضور عاقد کافی است که دفاتر هم بامضاء
طرفین برسد.

رئیس - آقایانیکه باماده ۱۰۶۳ همراهند بر خیزند
(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۶۴ :

ماده ۱۰۶۴ : عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد

رئیس - نظری نیست. همراهان با ایاماده بر خیزند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۶۵ :

ماده ۱۰۶۵ - توالی عرفی ایجاب و قبول شرط صحت
عقد است.

رئیس - آقایانیکه موافقت دارند بر خیزند
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۶۶ :

ماده ۱۰۶۶ - هرگاه یکی از متعاقدين یا هر دو لال
باشند عقد با اشاره از طرف لال نیز واقع میشود مشروط
براینکه بطور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - نظرم میآید که این در موردی است
که قائم مقام قانونی نداشته باشند و این در موقعی است
که هر دو طرف یا يك طرف لال است و قائم مقام نداشته
باشند یعنی کسی نباشد که عقد را واقع کند ولی در صورتی
که قائم مقام قانونی داشته باشند ظاهراً این حکم اینطور
نیست.

وزیر عدلیه - این قانون غالباً بر حسب فتاوی علما
و شهرت است و عمل و عرف و عادت از دیرزمانی بر این
جاری بوده است مردم هم کاملاً معتقد بآن هستند
و قید نیست که در وقتی که بکسی یا هر دو طرف لال
باشند ایجاب و قبول واقع نشود و بکس دیگر وکالت
بدهند.

رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۰۶۶ همراهند بر خیزند
(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۶۷ :

ماده ۱۰۶۷ - تعیین زن و شوهر بنحوی که برای
هیچیک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط
صحت نکاح است

رئیس - آقایانیکه همراهند بر خیزند

(بیشتر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۶۸ :

ماده ۱۰۶۸ - تعلیق در عقد موجب بطلان است
رئیس - نظری نیست. آقایانی که موافقت دارند
بر خیزند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۶۹ :

ماده ۱۰۶۹ - شرط خیار فسخ نسبت بعقد نکاح باطل است

ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت بصداق جایز است
مشروط براینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن
است که اصلاً مهر ذکر نشده باشد.

رئیس - آقایانی که با ماده ۱۰۶۹ موافقت دارند
بر خیزند.

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۰ :

ماده ۱۰۷۰ - رضای زوجین شرط نفوذ عقد است
و هرگاه مکره بعد از زوال کرم عقد را اجازه کند
نافذ است مگر اینکه اکراه بدرجه بوده که عاقد فاقد
قصد باشد.

رئیس - اشکالی نیست. آقایانی که با ماده ۱۰۷۰
همراهند بر خیزند.

(بیشتر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۱ :

فصل پنجم - وکالت در نکاح

ماده ۱۰۷۱ - هر يك از مرد وزن میتواند برای عقد
نکاح وکالت بغير دهد.

رئیس - آقایانیکه موافقت دارند بر خیزند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تأمل بفرمائید... تصویب شد. بنده یادآوری
میکم که آن رای بینین را نمیتوانم قبول کنم باجز ما نفی
یا جزماً اثبات. ماده ۱۰۷۲ :

ماده ۱۰۷۲ - در صورتیکه وکالت بطور اطلاق داده
شود وکیل نمیتواند موکله را برای خود تزویج کند مگر
اینکه این اذن صریحاً باو داده شده باشد.

رئیس - نظری نیست. آقایانیکه باماده ۱۰۷۲ موافقت
دارند بر خیزند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۳ :

ماده ۱۰۷۳ - اگر وکیل از آنچه موکل راجع بشخص
یا مهر یا خصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد

متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود.

رئیس - اشکالی نیست. آقایانی که با ماده ۱۰۷۳
موافقت دارند بر خیزند.

(عده زیادی برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۴ :

ماده ۱۰۷۴ - حکم ماده فوق در موری نیز جاری
است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت
موکل را نکرده باشد

رئیس - نظری نیست. آقایانیکه با این ماده همراهند
بر خیزند

(بیشتر بلند شدند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۵ :

فصل ششم - در نکاح منقطع

ماده ۱۰۷۵ - نکاح وقتی منقطع است که برای مدت
معینی واقع شده باشد

رئیس - نظری نیست ؟ (کفته شد - خیر) موافقین
باماده ۱۰۷۵ بر خیزند

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۶ :

ماده ۱۰۷۶ - مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود
رئیس - نظری نیست. آقایان موافقین بر خیزند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۰۷۷ :

ماده ۱۰۷۷ - در نکاح منقطع احکام راجع بوراثت
زن و بمهر او همان است که در باب ارث در فصل آتی
مقرر شده است

رئیس - موافقین با این ماده قیام فرمایند
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. یکی از آقایان یادداشتی داده
است که آقایان را متذکر کنم که اگر در این مواد بحث
نمیشود نه از باب عدم توجه است برای این است که
بنیان این مواد خیلی محکم است و مورد مذاکره ندارد

اورنگ - هزار و سیصد سال است که این مواد معتبر است

رئیس - ماده ۱۰۷۸ :

فصل هفتم - در مهر

ماده ۱۰۷۸ - هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملیک نیز باشد میتوان مهر قرار داد

رئیس - نظری نیست . موافقین برخیزند (بیشتر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۷۹

ماده ۱۰۷۹ - مهر باید بین طرفین تاحدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد

رئیس - نظری نیست . آقایانیکه باماده ۱۰۷۹ موافقت برخیزند

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۰ :

ماده ۱۰۸۰ - تعیین مقدار مهر منوط بتراضی طرفین است

رئیس - نظری نیست . آقایانیکه موافقت دارند برخیزند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۱ :

ماده ۱۰۸۱ - اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تادیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است

رئیس - آقایانی که با ماده ۱۰۸۱ موافقت دارند برخیزند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۲ :

ماده ۱۰۸۲ - بمجرد عقد زن مالک مهر میشود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید .

رئیس - موافقین باماده ۱۰۸۲ قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۳ :

از این مواد است که تعبد صرف است و هیچ نمیتوان تصرفی در آن کرد و با طرز وضعیت زوجیت و طلاق که خیلی هم محل احتیاط و ملاحظه است و نباید تصرفی ما خودمان در آن بکنیم (صحیح است) از این جهت اکتفا

شده است باین احکام منصوصه معین و اگر اختلافی هم در بین بوده است آن قسمت اشهر و اکثر که فتاوی متأخرین روی اوست گرفته شده که هیچ انکاری در آن مواد پیدا نشود يك قسمت از مواد است که منصوصات نیست و آنها را با مراجعه بقوانین خارجه مخصوصاً قانون سوتیس

که خیلی مفصل است در يك قسمتهائی مثل تکالیف زوجین و حقوق خانوادگی که بعد میآید خیلی مشروح و مفصل است و يك قسمتهائی که توافق با عادات و شرع نداشته است و بر او يك احکامی هم مرتب است آنها را اگر قنیم خیلی هم خوب شده است و بنده عرض میکنم يك قانون بسیار خوبی است (صحیح است) این قسمت که خوانده خواهد شد . ولی بکقسمت هائی هم که زائد بوده و محل احتیاج نبوده است یعنی عرف و اخلاق فاضله ملت ایران طوری بوده است که احتیاج نبوده است بذکر آنها که حالا بنده بطور تفصیل عرض نمیکم و بعضی از آنها را نوی قانون آوردن محتاج نیست در صورتیکه مبانی اخلاقی ما روی اوست مثل اینکه فرض فرمائید که در يك ماده دیدم که دارد اگر

پسری در خانه پدر خرجی بکند متبرع است و نمیتواند پس بگیرد ولی ما احتیاجی بآن نداشتیم (صحیح است) برای اینکه اخلاق خانوادگی ما طوریست که اصلاً در اینطور چیزها محتاج بقانون نیستیم (صحیح است - احسن است) این است که قابل ذکر ندانستیم ولی آن قسمتهائی که خیلی خوب بود و مفید بود برای تدوین و توضیح حقوق طرفین که

می توانستند در مقابل آن مطالبه بکنند یا زن مرد خودش را بتواند اجبار بطلاق بکند آنها را هم با سعی اینکه موافق باشد با قوانین شرع که مورد هیچ انکاری نیست (صحیح است) اینها را هم با دقتی در اینکه موافق باشد

در احکام شرع و مورد هیچ اعتراضی نباشد از طرف کسی

از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهر المثل خواهد بود

رئیس - آقایانی که باماده ۱۰۸۷ موافقت برخیزند (جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۱۰۸۸ :

ماده ۱۰۸۸ - در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد زن مستحق هیچگونه مهری نیست

رئیس - نظری نیست آقایانیکه باماده ۱۰۸۸ همراهند برخیزند

(بیشتر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۰۸۹ :

ماده ۱۰۸۹ - ممکن است اختیار تعیین مهر بشوهر یا شخص ثالث داده شود در اینصورت شوهر یا شخص ثالث میتواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند .

رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۰۸۹ موافقت دارند برخیزند (بیشتر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۰۹۰

ماده ۱۰۹۰ - اگر اختیار مهر به زن داده شود زن نمیتواند بیش از مهر المثل معین نماید .

رئیس - آقای دیبا .

طباطبائی دیبا - راجع به این ماده در کمیسیون عدلیه

هم مذاکره شده آقای وزیر عدلیه يك توضیحاتی دادند ولی بنده عقیده ام این است که این دو ماده باهم باید مساوی باشد یعنی راجع بشوهر آنجا در ماده سابق ذکر شده است که هر چه شوهر معین کرد قبول شود ولی در این ماده ذکر شده است که زن بیش از مهر المثل نتواند معین کند جهت این دو ماده معلوم نیست که آن جا شوهر حق دارد هر چه میخواهد معین کند ولی زن این اختیار را نداشته باشد جهت آن معلوم نیست .

وزیر عدلیه - بنده لازم میدانم بطور کلی توضیحاتی

خدمت آقایان عرض کنم که جواب فرمایش نماینده محترم هم ضمناً داده شود . این مواد چند قسم است بعضی

رعایت شده است و در مورد تعبدات هم هیچ تصرفی نمیتوانیم بکنیم و اینکه در اینجا هست همان است که عرض کردم و جواب آقای دبیا هم همین است (صحیح است)

نخبر کمیسیون قوانین عدلیه (مؤید احمدی) - البته آقای دبیا باین نکته متوجه شده اند و در کمیسیون هم همین بیان را فرمودند ولی ملاحظه بفرمائید چون مهر المثل معین شده است وقتی که اختیار میدهد بشوهر میگوید هر مهری میخواهی برای من قرار بده در روی رضایت خودش آن هم قرار میدهد لیکن وقتی که بنا شد زن معین کند نمیتواند بیش از مهر المثل معین کند. میفرمائید چرا؟ بعلمت اینکه معلوم است که در غیر این حال اجحاف است مهر المثل این است که به بینیم مادر این خواهر این بستگان این چه اندازه مهر داشته اند از حیث شئون خانوادگی و تربیتی و مقرراتی که در خانواده آنها بوده است و اگر آمد و زیاده از آن معین کرد معلوم میشود که اجحاف کرده است و قانون هم عیناً آنرا تصویب کرده است.

رئیس - آقای احتشام زاده فرمایشی داشتید؟

احتشام زاده - عرضی ندارم

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده هم عرضی ندارم.

رئیس - آقایانیکه با ماده هزار و نود موافقتند بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و یک:

ماده ۱۰۹۱ - برای تعیین مهر المثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت باهائل و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود.

رئیس - نظری نیست؟ (اظهاری نشد) آقایانیکه با ماده هزار و نود و یک همراهند بر خیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و دو:

ماده ۱۰۹۲ - هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمناً استرداد کند.

رئیس - مخالفی ندارد. آقایان همراهان با این ماده بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و سه:

ماده ۱۰۹۳ - هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهر المته است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهر المثل خواهد بود.

رئیس - نظری نیست. آقایان همراهان بر خیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و چهار:

ماده ۱۰۹۴ - برای تعیین مهر المته حال مرد از حیث غنی و فقر ملاحظه میشود.

رئیس - اشکالی ندارد؟ (گفتند - خیر) کسانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و پنج.

ماده ۱۰۹۵ - در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.

رئیس - اعتراضی ندارد. آقایانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و شش:

ماده ۱۰۹۶ - در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمیشود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.

رئیس - کسانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده هزار و نود و هفت:

ماده ۱۰۹۷ - در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.

رئیس - همراهان با این ماده برخیزند (عده زیادی بلند شدند) تصویب شد. ماده هزار و نود و هشت:

ماده ۱۰۹۸ - در صورتیکه عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر میتواند آنرا استرداد نماید.

رئیس - نظری نیست؟ (اظهاری نشد) آقایان همراهان با این ماده بر خیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و نود و نه:

ماده ۱۰۹۹ - در صورت جهل زن بفساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهر المثل است.

رئیس - کسانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (اغلب قیام کردند) تصویب شد. ماده هزار و صد و قرائت میشود:

ماده ۱۱۰۰ - در صورتیکه مهر المسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهر المثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید.

رئیس - آقایانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (جمع زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و یک:

ماده ۱۱۰۱ - هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی بجهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتیکه موجب فسخ عین باشد که در اینصورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است.

رئیس - آقایانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و پنج:

ماده ۱۱۰۲ - برای تعیین مهر المته باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود بیکدیگر معاضدت نمایند.

رئیس - آقایانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و شش:

ماده ۱۱۰۳ - زن و شوهر مکلف بحسن معاشرت با یکدیگرند:

رئیس - ایرادی ندارد. آقایان همراهان با این ماده برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و هفت:

ماده ۱۱۰۴ - زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود بیکدیگر معاضدت نمایند.

رئیس - آقایانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و هشت:

ماده ۱۱۰۵ - در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است.

رئیس - آقایانیکه با این ماده همراهند بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و نهم:

ماده ۱۱۰۶ - در عقد دائم نفقه زن بمعهد شوهر است.

رئیس همراهان باین ماده قیام فرمایند (اکثر برخاستند)
تصویب شد. ماده هزار و صد و هفت

ماده ۱۱۰۷ - نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن بداشتن خادم یا احتیاج او بواسطه مرض یا نقصان اعضاء

رئیس - آقای اورنگ فرمایشی داشتید؟

اورنگ - عرضی ندارم در این ماده.

رئیس - همراهان باین ماده برخیزند (اکثر برخاستند)
تصویب شد. ماده هزار و صد و هشت

ماده ۱۱۰۸ - هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

رئیس - نظری نیست. آقایان موافقین با این ماده برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و نه:

ماده ۱۱۰۹ - نفقه مطلقه رجعه در زمان عده برعهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در اینصورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.

رئیس - کسانی که با این ماده همراهند برخیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و ده قرائت میشود:

ماده ۱۱۱۰ - در عده وفات زن حق نفقه ندارد

رئیس - آقایانیکه با ماده هزار و صد و ده موافقتند برخیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و یازده:

ماده ۱۱۱۱ - زن میتواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه بمحکمه رجوع کند در اینصورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را بدادن آن محکوم خواهد کرد
رئیس - آقای اورنگ:

اورنگ - بنده فقط يك توضیحی میخواستم اینجا

که مینویسد در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه زن میتواند بمحکمه رجوع کند، محکمه آن حکمی را که میدهد مطابق متعارف حال آن زن خواهد بود با يك میزان معینی است که برای هر مورد نفقه آن میزان را معین کند؛ اگر چنانچه باید مطابق متعارف عمل بشود عیب دارد

وزیر عدلیه - در ماده ۱۱۰۷ ذکر شده است که نفقه عبارت است از چیزی که با وضعیت زن متناسب باشد پس محکوم هم طوری عمل خواهد کرد که با وضعیت حال زن متناسب باشد.

رئیس - آقایان موافقین با ماده هزار و صد و یازده برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و دوازده:

ماده ۱۱۱۲ - اگر اجراء حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق ماده ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - عرض کنم که در این ماده مینویسد اگر اجرای حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد یعنی زن نفقه طلبکار است از شوهر و شوهر ندارد و زن رفت به محکمه و محکمه هم حکم داد که نفقه را از شوهر بگیرند و بزن بدهند. در اینجا میگوید اگر اجرای این حکم ممکن نباشد مطابق ماده ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد. ماده ۱۱۲۹ هنوز نیامده است که ما بدانیم چیست. لایحه که الان در دست ماست تا ماده ۱۱۱۹ است ده ماده بعدش ۱۱۲۹ است و در این لایحه نیست ما باید مدلول آن ماده را بدانیم تا بتوانیم باین ماده رای بدهیم بنا براین خوبست آقای وزیر عدلیه مدلول آن ماده را بیان فرمایند تا با استحضار بآن ماده رای بدهیم

وزیر عدلیه - مدلول آن ماده این است که زن در چه مورد میتواند اجبار بطلاق بکند یعنی با مراجعه به محکمه و وقتی که ثابت کرد موجب را آنوقت محکمه مرد را اجبار بطلاق میکند و یکی از آن موارد هم این است که مرد نفقه ندهد و زن بمحکمه رجوع کند و محکمه

حکم بدهد ولی اجرای حکم محکمه بدلائلی ممکن نباشد بنا براین زن بلا تکلیف میماند و خود او را علاجی نیست جز اینکه طلاق خود را بخواهد پس با خواستن زن محکمه در آنصورت حکم بطلاق میدهد.

رئیس - آقایانی که با ماده ۱۱۱۲ موافقت دارند برخیزند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده هزار و صد و سیزده

ماده ۱۱۱۳ - در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا اینکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد
رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - در اینجا هم باز همان اشکال جریان دارد چطور در عقد انقطاع اگر نفقه ذکر نشده و شرط نشده باشد زن ابداً حق مطالبه ندارد فرض کرده است اینماده در صورتی که شرط بکند دادن نفقه را بزن پس زن حق دارد نفقه را بگیرد و زن مستحق میشود و اگر این استحقاق را شوهر نداد و ادا نکرد مطابق ماده قبل زن حق دارد که بمحکمه رجوع کند بمحکمه مراجعه کرد و محکمه هم حکم صادر کرد مثل ماده قبل آن حکم ممکن نشد اجرا شود باز آن موضوع در این معنی هم ساری و جاری هست یا نیست یعنی حاکم ولی ممتنع میتواند مدت باقیمانده را ببخشد این است ایراد بنده و این توضیح لازم دارد

وزیر عدلیه - در اینجا يك تفاوت هائی مابین زن معقوده با منقطعه هست و تفاوتهای زیادی است برای اینکه منقطعه شبیه بیک مستاجر است او شبیه است به يك خادمه مزدور پس آن حقوق زناشویی که عبارت است از تساری و حقوق دیگر برای او نیست نفقه وقتی که شرط شده باشد و بشخص تعلق گرفت مثل هر مزدوری است که برای او حقوقی شرط شده باشد و در آنجا باید با جبار گرفت اگر نشد گرفتن آن مثل يك طلبکار دیگری است که هیچ ممکن نیست وصول آن هیچ جنبه تضمینی ندارد ولی نسبت به زن و مردی که بطور عقد دائم با یکدیگر زوجین هستند چون حقوق و تکالیف دیگری در آنجا هست

البته باید برای زن يك فکر دیگری کرد که اگر این حق باو نرسید میتواند اقلاً خود را تخلیص بکند ولی در سایر موارد این حکم ساری نیست و ممکن نیست این حکم را کرد و مثل يك طلبکاری است و آنهم در حکم اجرت است باید بگیرد اجرت خودش را (صحیح است)

رئیس - آقایانیکه با ماده ۱۱۱۳ موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۱۱۱۴

ماده ۱۱۱۴ - زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - عرض کنم اینجا در ماده همانطور که آقای وزیر عدلیه توضیح فرمودند در ماده ۱۱۰۷ شرح و وصف نفقه را ذکر میکنند که نفقه عبارتست از منزل و البسه و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد حالا در اینماده ۱۱۱۴ مینویسد زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند سکنی نماید مگر اینکه اختیار منزل به زن داده شده باشد عرض کنم که متعارف زن این است که در يك منزل بهتری زندگی کند و شوهر از نظر تضییق به آن زن که او مهرش را به بخشد و جانش را خلاص نماید او را در يك منزل پست کشف نامناسبی می نشاند حالا میخواهیم به بینیم که آن ماده ۱۱۰۷ شامل این مورد هم هست یا خیر یعنی باید زن را بمنزلی نشاند که مناسب و متناسب حیثیت و شرافت او باشد یا اینکه زن بهر منزلی که شوهر تعیین و اختیار میکند مجبور است سکنی نماید این را هم آقای وزیر عدلیه توضیحی فرمایند

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم خیلی روشن است مطلب زیرا که آنجا حکم این است که مسکن باید متناسب زن باشد این يك حکم بجای خودش يك حکم دیگر این است که زن آیا بخودی خود آزاد است که هر کجا خواهد مسکن کند یا باید تابع شوهر باشد و منزلی که شوهر معین میکند چطور باشد آیا متناسب باشد یا نه در همان

ماده ۱۱۰۷ ذکر شده است پس محل باید متناسب با زن باشد در این صورت هر جا که شوهر معین میکند سکنی مینماید.

رئیس - آقای افسر فرمایشی داشتید

افسر - عرضی ندارم

رئیس - موافقین باماده هزارصد و چهارده قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۱۵ قرائت میشود

ماده ۱۱۱۵ - اگر بودن زن با شوهر در يك منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی باشراققتی برای زن باشد زن میتواند مسکن علیحده اختیار کند در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت بمنزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن بمنزل مزبور معذور است نفقه برعهده شوهر خواهد بود

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - همه آقایان رفقا البته عفو میفرمایند چون این مواد موادی است که بمجرد اینکه از اینجا گذشت محل ابتلاء عامه خلق است و البته هر قدر در اطرافش يك توضیحی که بنده عرض میکنم و آقای وزیر عدلیه جوابی بیان میفرمایند برای تشریح مطلب خیلی مفید است و چون محل ابتلاء عامه است خلق بیذا میشوند این ماده میگوید اگر بودن زن با شوهر در يك منزل موجب خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن میتواند مسکن علیحده اختیار کند در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت بمنزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن بمنزل مزبور معذور است نفقه برعهده شوهر خواهد بود - چطور؟ زنی می آید و می گوید که من بودم با شوهر در این خانه بخصوص توهین است برای من از حیث شرافتم یا ضرر مالی برای من متصور است با ضرر بدنی دارد از این شوهر میترسم که شب مرا کتک بزند یا بکشد بمجرد گفتن این زن میتواند برود يك منزل علیحده بگیرد و در آنجا بنشیند

وزیر عدلیه - این قسمت در اصول محاکمات باید رعایت شود.

رئیس - آقایانی که باماده یک هزار و صد و شانزده همراهند برخیزند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۱۷ قرائت میشود

ماده ۱۱۱۷ - شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که مذافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - این ماده ۱۱۱۷ باز مورد ابتلا است مینویسد شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که مذافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند حال مشخص اینکه این حرفه یا این صنعت منافی مصلحت تو یا منافی مصلحت من است این مشخص شوهر است؟ (همه نهانندگان) تامل بفرمائید عرض میکنم که شوهری میگوید بزنی که تو نرو در مدرسه و معلمی بکن این مخالف حیثیت من است آیا حق دارد؟ بنده مخالف نیستم بلکه میل دارم که توضیح داده شود اگر مشخص خود شوهر است که هر چیز را که خود او منافی مصلحت خودش یا مصلحت عیالش تشخیص داد می تواند منع کند (بعضی از نهانندگان - بله بله صحیح است) بسیار خوب اگر اینطور است که این ماده درست است

وزیر عدلیه - البته آقایان متذکر هستند که قانون برای این است که در مورد اختلاف از مفاد قانون و مواد آن بتوان حکم کرد و آن مراجعی که برای اختلاف بین اشخاص در حقوق معین است بتواند حکم کنند یعنی تکیه گاهی از قانون داشته باشند که اولاً تکالیف به عهده آنها معین باشد و اگر اختلاف کردند بتوان بر آن حکم کرد يك قسمت از این امور قابل اختلاف نیست برای اینکه ریاست خانواده با مرد است و البته تشخیص مصالح هم با اوست فرض بفرمائید اگر مردی خواست زن خود را در هر کاری اگر چه کار بسیار شریفی هم باشد منع کند

اگر خائف شد نسبت بوضعیتی که شوهر جاهل او اختیار کرده است نسبت بجانش یا مالش یا شرافتش می تواند از این حق متمتع شود و خانه او را ترك کند ولی چوت ممکن است که زن هم يك مدعی مثل سایر مدعی ها مدعی دروغ باشد و برای هوی و هوس بگوید من این خوف را دارم این باید در محکمه اثبات شود و از این جهت است که در صورت ثبوت مظنه ضرر که بر محکمه ثابت شد که این زن مظنه ضرر در خانه شوهر دارد در این صورت حکم بازگشت بمنزل شوهر نمیدهد و در این مورد هم نفقه برعهده شوهر است در این صورت او را ناشزه حساب نمیکنند و این نشوز نیست نکته دیگر هم که البته نظر آقایان هست که در قانون حکمیت مخصوصاً این ماده را در آخر قانون اضافه کردیم که کلیه اختلاف و نفاق بین زن و شوهر بحکمیت حل میشود بحکمیت اقرباء و منسوبین هر دو طرف و غالب آنها هم باصلاح منتهی می شود برای اینکه همینطور که زن های بوالهوس پیدا میشوند مردهان جاهل و قسی القلب هم پیدا میشوند

رئیس - آقایانیکه باماده هزارصد و یازده همراهند برخیزند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۱۱۶ قرائت میشود

ماده ۱۱۱۶ - در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکناى زن بتراضی طرفین معین میشود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتیکه اقربائی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده عقیده ام این است که این مورد از مواردی است که باید محاکمه اش اختصاری باشد نه محاکمه عادی که یکسال دو سال طول بکشد و آنوقت تکلیف زوج و زوجه معلوم بشود این است که اگر در ماده تصریح میشد که محاکمه این قبیل امور اختصاری است بهتر بود

که تو دست بهیچ کاری نزن و تعرض نکنند در اینجا لازم نیست که زن تمکین کند و میتواند اثبات کند که نه منافی مصالح تو و من است و نه منافی شرافت و مصالح خانواده کی است آن قسمی هم که بمهد من است از حیث تربیت اولاد و خانه داری و مرتب کردن امور زندگانی اینها را انجام میدهم ولی یکساعت هم مثلاً میخوام فلان درس را بخوانم این اشکال ندارد و برای این است که تعدی و ظلم از هیچ طرفی بهیچ طرف نباید بشود ولی يك وقتی است که يك زنی از روی کسب و گرفتن اجرت برود مثلاً مرده شوئی بکنند این کار بسیار بدی است

رئیس - همراهان باماده ۱۱۱۷ قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱۱۸

ماده ۱۱۱۸ - زن مستقلای تواند در دارائی خود هر تصرفی را که میخواهد بکند

رئیس - نظری نیست؟ (خیر) موافقین برخیزند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱۱۹

ماده ۱۱۱۹ - طرفین عقد ازدواج می توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود یا ترك انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها بایکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - این جا هم بنده يك كلمه توضیح میطلبم که در آخر این ماده دارد پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد این حکم نهائی در اینجا صدور حکم از مرحله تمیز است یا بمجرد

شده است به ده سال یا زده سال حبس برای عاقله اش، هیچ تکبیمی معین نشده است مردی که جانی شد زنی که تقصیر نکرده است بنا بر این همینطور که ما برای غایب مفقود الاثر حکمی معین کرده ایم که اگر کسی در کشتی غرق شده باشد و چه باشد اینها ذکر شده ولی راجع باین موضوع ذکر در هیچ جا نشده این است که باید دولت این مطلب را در نظر بگیرد یا يك مدتی را در نظر بگیرند و با اینکه در همان حین عقد جزء شروط بشود و اگر صلاح نباشد بالاخره باید يك قوانینی برای این کار پیش بینی بشود دو سال سه سال چهار سال يك حدی که قابل تحمل باشد و از این حد بالاتر حکمی معین شود و البته باید

دولت این موضوع را در نظر بگیرد و يك قانونی برایش بیاورد
وزیر عدلیه - این بیان آقای مؤید احمدی صحیح است ولی تصور میکنم که در قوانین جزا ممکن باشد که يك پدش بینی برای این قسمت بشود.
رئیس - آقایانی که با مجموع این قانون موافقت دارند برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

[۵ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده روز سه شنبه نوزدهم فروردین پس فردا سه ساعت قبل از ظهر دستور لوائح وزارت عدلیه (مجلس مقارن ظهر ختم شد)

شده است به ده سال یا زده سال حبس برای عاقله اش، هیچ تکبیمی معین نشده است مردی که جانی شد زنی که تقصیر نکرده است بنا بر این همینطور که ما برای غایب مفقود الاثر حکمی معین کرده ایم که اگر کسی در کشتی غرق شده باشد و چه باشد اینها ذکر شده ولی راجع باین موضوع ذکر در هیچ جا نشده این است که باید دولت این مطلب را در نظر بگیرد یا يك مدتی را در نظر بگیرند و با اینکه در همان حین عقد جزء شروط بشود و اگر صلاح نباشد بالاخره باید يك قوانینی برای این کار پیش بینی بشود دو سال سه سال چهار سال يك حدی که قابل تحمل باشد و از این حد بالاتر حکمی معین شود و البته باید

وزیر عدلیه - مطابق ماده جلد اول قانون مدنی هر قانونی که تاریخ اجرائش معین نشد معلوم است بعد از انتشار در مجله رسمی ده روز در مرکز و در ولایت به تناسب مسافت قابل اجراست

رئیس - رأی میگیریم باماده ۱۱۱۹ موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد. مذاکره در کلیات است آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده در این موقع واقعاً بعد از تشکر از آقای وزیر عدلیه که این قوانین را بمجلس آوردند يك موضوعی را لازم میدانم عرض کنم در کمیسیون هم به آقای وزیر عدلیه عرض کردم فرمودند که باید در این موضوع يك فکری کرد و حالا اگر صلاح بدانند در متمم همین قوانین مدنی که می آید موضوع را در نظر بگیرند و مبتلا به هم هست چون این موضوع در قوانین مابیش بینی نشده است و آن مسئله حبس است فلان آدم فلان خیانت را کرده است آدم کشته یا يك خیانتی کرده است که بالاخره محکوم

قانون مدنی

فصل چهارم - شرایط صحت نکاح

- ماده ۱۰۶۲ - نکاح واقع میشود بایجاب و قبول بالفاظیکه صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید .
- ماده ۱۰۶۳ - ایجاب و قبول ممکنست از طرف خود مرد وزن صادر شود و یا از طرف اشخاصیکه قانوناً حق عقد دارند
- ماده ۱۰۶۴ - عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد
- ماده ۱۰۶۵ - توالی عرفی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است
- ماده ۱۰۶۶ - هرگاه یکی از متعاقدين یا هر دو لال باشند عقد بشاره از طرف لال نیز واقع میشود مشروط بر اینکه بطور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد .
- ماده ۱۰۶۷ - تعیین زن و شوهر بنحوی که برای هیچیک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است
- ماده ۱۰۶۸ - تعلیق در عقد موجب بطلان است
- ماده ۱۰۶۹ - شرط خیار فسخ نسبت بعقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت بصداق جایز است مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آنست که اصلاً مهر ذکر نشده باشد
- ماده ۱۰۷۰ - رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کرم عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه اکراه بدرجه بوده که عاقد فاقد قصد باشد

فصل پنجم - وکالت در نکاح

- ماده ۱۰۷۱ - هر يك از مرد و زن میتواند برای عقد نکاح وکالت بغير دهد
- ماده ۱۰۷۲ - در صورتی که وکالت بطور اطلاق داده شود وکیل نمیتواند موکله را برای خود تزویج کند مگر اینکه این اذن صریحاً باوداده شده باشد .
- ماده ۱۰۷۳ - اگر وکیل از آنچه که موکل راجع بشخص یا مهر یا خصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود .
- ماده ۱۰۷۴ - حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصالحت موکل را نکرده باشد

فصل ششم - در نکاح منقطع

- ماده ۱۰۷۵ - نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد
- ماده ۱۰۷۶ - مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود
- ماده ۱۰۷۷ - در نکاح منقطع احکام راجع بوراثت زن و به مهر او همانست که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است

فصل هفتم - در مهر

- ماده ۱۰۷۸ - هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملك نیز باشد می توان مهر قرار داد
- ماده ۱۰۷۹ - مهر باید بین طرفین تسامعی که رفع جهالت آن ها بشود معلوم باشد .
- ماده ۱۰۸۰ - تعیین مقدار مهر منوط بتراضی طرفین است
- ماده ۱۰۸۱ - اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است
- ماده ۱۰۸۲ - بمجرد عقد زن مالک مهر میشود و میتواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید
- ماده ۱۰۸۳ - برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر میتواند مدت یا اقساطی قرار داد
- ماده ۱۰۸۴ - هرگاه مهر عین معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است
- ماده ۱۰۸۵ - زن میتواند تا مهر باو تسلیم نشده از ایفاء وظائفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود

ماده ۱۰۸۶ - اگر زن قبل از اخذ مهر با اختیار خود بایفاء وظائفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمیتواند از حکم ماده قبل استفاده کند مگر آنکه حق که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد

ماده ۱۰۸۷ - اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین میتوانند بعد از عقد مهر را بتراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهر المثل خواهد بود

ماده ۱۰۸۸ - در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر وقبل از نزدیکی بپیرد زن مستحق هیچگونه مهری نیست

ماده ۱۰۸۹ - ممکن است اختیار تعیین مهر بشوهر یا شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث میتواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند

ماده ۱۰۹۰ - اگر اختیار تعیین مهر بزن داده شود زن نمیتواند بیشتر از مهر المثل معین نماید

ماده ۱۰۹۱ - برای تعیین مهر المثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت بامثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود

ماده ۱۰۹۲ - هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند

ماده ۱۰۹۳ - هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهر المته است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهر المثل خواهد بود

ماده ۱۰۹۴ - برای تعیین مهر المته حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه میشود

ماده ۱۰۹۵ - در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است

ماده ۱۰۹۶ - در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمیشود و هم چنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند

ماده ۱۰۹۷ - در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را به بخشد باید نصف مهر را بدهد

ماده ۱۰۹۸ - در صورتیکه عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر میتواند آنرا استرداد نماید

ماده ۱۰۹۹ - در صورت جهل زن بفساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهر المثل است

ماده ۱۱۰۰ - در صورتیکه مهر المسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهر المثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید

ماده ۱۱۰۱ - هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی بجهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتیکه موجب فسخ عنین باشد که در اینصورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است

فصل هشتم - در حقوق و تکالیف زوجین نسبت بیکدیگر

ماده ۱۱۰۲ - همبکه نکاح بطور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار میشود

ماده ۱۱۰۳ - زن و شوهر مکلف بحسن معاشرت با یکدیگرند

ماده ۱۱۰۴ - زوجین باید در تشبید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند

ماده ۱۱۰۵ - در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است

ماده ۱۱۰۶ - در عقد دائم نفقه زن بمهره شوهر است

ماده ۱۱۰۷ - نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن بداشتن خادم یا احتیاج او بواسطه مرض یا نقصان اعضاء

ماده ۱۱۰۸ - هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود

ماده ۱۱۰۹ - نفقه مطلقه رجعی در زمان عدم برعهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح باطل باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در اینصورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت

ماده ۱۱۱۰ - در عده وفات زن حق نفقه ندارد

ماده ۱۱۱۱ - زن میتواند در صورت استتکاف شوهر ازدادن نفقه بحکم رجوع کند در اینصورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را بدادن آن محکوم خواهد کرد

ماده ۱۱۱۲ - اگر اجراء حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق ماده ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد

ماده ۱۱۱۳ - در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد

ماده ۱۱۱۴ - زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل بزن داده شده باشد

ماده ۱۱۱۵ - اگر بودن زن با شوهر در يك منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن میتواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت بمنزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن بمنزل مزبور معذور است نفقه برعهده شوهر خواهد بود

ماده ۱۱۱۶ - در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکنتی زن بتراضی طرفین معین میشود و در صورت عدم تراضی محکمه با جاب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتیکه اقربائی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد

ماده ۱۱۱۷ - شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یازن باشد منع کند

ماده ۱۱۱۸ - زن مستقلاً میتواند در دارائی خود هر تصرفی را که میخواهد بکند

ماده ۱۱۱۹ - طرفین عقد ازدواج میتوانند هر شرطی که مخالف بامقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غائب شود یا ترك انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد

این قانون که مشتمل بر پنجاه و هشت ماده است در جلسه هفدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر